

اسکان غیر رسمی و راهبرد توانمندسازی درونی (توسعه درون زا)

دکتر خسرو دانشجو*، دکتر سید غلامرضا اسلامی**

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۰۲/۲۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۸۹/۰۲/۰۶



چکیده

این مقاله با هدف شناخت مشکل اسکان غیر رسمی و ارتباط آن با مسائل و برنامه های توسعه در سال های اخیر در کشور ایران، به بررسی علل بروز این مشکل پرداخت و با نقد آن راهی به سوی مفهوم جدیدی از توسعه به نام توسعه درون زا می گشاید. همچنین در ارتباط با این مفهوم راه حل توانمندسازی درونی را برای حل معضل اسکان غیر رسمی و مشکلات مترتب بر آن معرفی نموده است.

توانمندسازی درونی متأثر از توسعه درون زا است که در ارتباط با مفاهیم برگرفته از توسعه پایدار متضمن به کارگیری توان ها و قابلیت های بالقوه ساکنان غیر رسمی شهرها به منظور بهبود شرایط زیستی و زندگی آنان است.

لذا با رویکرد تحلیلی توصیفی متون مربوطه بررسی گردید و در نهایت اصولی در رابطه با حل معضلات اسکان غیر رسمی عنوان گردید.

واژه های کلیدی

حاشیه نشینی، اسکان غیر رسمی، توانمندسازی، توسعه درون زا

* استادیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. (مسئول مکاتبات)

Email: khdaneshjoo@srbiau.ac.ir

** دانشیار دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مقدمه

بررسی علل ساختاری شکل‌گیری آن، اثبات گردد که اصولاً این پدیده حاصل نظام برنامه‌ریزی حاکم بر کشور بوده است. به عبارت دیگر استنباط غیر اصولی از شرایط حاضر، تعیین استراتژی‌های ناسازگار و همچنین الگوهای نامناسب مدیریتی در کنار عدم لحاظ نمودن تمامی ارکان تاثیرگذار و ذینفع باعث بروز این پدیده شده است.

در ادامه برای یافتن راهی مناسب جهت حل معضل حاشیه‌نشینی (اسکان غیر رسمی) راهبرد "توانمندسازی" معرفی گردیده است. راهبرد توانمندسازی متکی بر مفاهیم توسعه درون‌زا با اتخاذ الگوهایی از توسعه پایدار، در حال حاضر به عنوان موثرترین شیوه مواجهه با معضل اسکان غیر رسمی جوامع مختلف در جهان است. راهبرد توانمندسازی^۱ در پی ظرفیت‌سازی در اجتماعات برای توانمند نمودن آنها در حل مشکلات با اندیشه و منابع خود آنها است.

اسکان غیر رسمی

بنا بر اعلام مرکز اسکان بشر سازمان ملل متحد^۲ به سال ۱۹۹۶ یک پنجم جمعیت جهان فاقد خانه‌ای در شان زندگی انسان بودند که دامنه گسترده‌ای از بی‌سرپناهان و خیابان‌خوابان تا آلونک‌نشینان را در بر می‌گرفت. در همین ارتباط، کمیسیون جهانی آینده شهرها در قرن بیست و یکم میلادی نیز هشدار داده است که به موازات رشد ابرشهرها^۳ فقر شهری در کشورهای جنوب افزایش یافته و بخش عمده‌ای از رشد شهرنشینی بر پایه اقتصاد غیر رسمی و همراه با گسترش سکونتگاه‌های غیر رسمی صورت خواهد گرفت. این گرایش را آن کمیسیون «غیر رسمی شدن شهرنشینی»^۴ نامیده است. از این رو اسکان غیر رسمی، مساله‌ای گذرا با ابعاد محدود نبوده و توافقی بر بقاء، تولید و ثبت آن وجود دارد که حاکی از عدم کفایت راه حل‌ها و سیاست‌های شهری متداول است و رویکردها و اقدامات نوینی را طلب می‌نماید (بیتلی و ویلر، ۱۳۸۲).

در ایران نیز اسکان غیر رسمی با رشدی سریع‌تر از رشد شهرنشینی، به تعبیری رسمی، مواجهه بوده و برآورد می‌شود یک پنجم جمعیت شهری در این گونه سکونتگاه‌ها مستقر باشند. در واقع اسکان غیر رسمی یکی از چهره‌های بارز فقر شهری است که در درون یا مجاور شهرها (به ویژه شهرهای بزرگ) به شکلی خودرو، فاقد مجوز ساختمان و برنامه رسمی شهرسازی با تجمعی از اقشار کم درآمد و سطح نازلی از کمیت و کیفیت زندگی شکل می‌گیرد و با عناوینی همچون، حاشیه‌نشینی، اسکان غیر رسمی، سکونتگاه‌های خودرو و نابسامان و اجتماعات آلونکی نامیده می‌شود.

محیط زندگی چنین سکونتگاه‌هایی پذیرای نابهنجاری‌ها و برانگیزاننده آسیب‌های اجتماعی است که گاه در استدلالی معکوس،

چنانکه در متون تخصصی مطرح است یکی از مهمترین مشکلات امروزه شهرهای بزرگ ایران، معضل اسکان غیر رسمی است. معضلی که متخصصین بارها و به طرق مختلف و از سطوح گوناگونی در پی حل آن آمده‌اند زمانی با تخریب فضای زیستی ساکنان غیر رسمی شهرها در پی پراکنده ساختن آنها بوده‌اند و زمانی دیگر با تکفیر و با دستگیری‌های وسیع و برخوردهای پلیسی سعی در حل مشکل نموده‌اند؛ ناکفته معلوم است هرگز در این رابطه موفقیتی حاصل نشده و حتی می‌توان گفت با هر دخالت، نه تنها مشکل حل نگردیده بلکه ابعاد موضوع را وسیع‌تر نموده است و تعداد مناطق مشکل‌دار و بحرانی افزایش یافته است.

در عصر حاضر یکی از مهمترین فعالیت‌ها در زندگی اجتماعی بحث مدیریت است. با مدیریت صحیح مأموریت‌ها و اهداف سازمان‌ها تحقق می‌یابند و از منابع و امکانات موجود بهره‌برداری می‌شود؛ همچنین با مدیریت صحیح توانایی‌ها و استعدادها از قوه به فعل درمی‌آید. مدیران در انجام وظایف خود فرآیندی را دنبال می‌کنند که شامل اجزایی چون برنامه‌ریزی، سازماندهی، نظارت و کنترل، ایجاد انگیزه، تقویت ارتباطات، هدایت و تصمیم‌گیری است و مجموعه این فعالیت‌ها مدیریت را شکل داده و هماهنگی و نیل به اهداف را میسر می‌سازد. از سوی دیگر توسعه مجموعه فعالیت‌هایی برای هدایت جامعه در جهت ایجاد تحول در زندگی بر اساس نظام ارزش‌های مطلوب و طیفی از تغییرات به هم پیوسته در جهت تامین نیازهای رو به گسترش جامعه می‌باشد که در حقیقت موضوع علم مدیریت ساماندهی فرآیند توسعه است.

به عبارت دیگر نظرات مدیران و راهبردهای مدیریتی و چگونگی درک تغییر شرایط محیطی و استراتژی‌های مواجهه با تغییرات فرآیند توسعه را شکل داده و در عین حال شرایط توسعه یافتگی را به عنوان محصول نهایی این فرآیند رقم می‌زند (مقدس، ۱۳۸۵).

دو طبقه بندی عمده برای فرآیند توسعه جوامع عنوان می‌گردد:

- توسعه عمودی و برون‌زا، که طی آن حرکت از بالا به پایین و متکی بر حاکمیت و قدرت است که میزان مشارکت در این توسعه پایین است.
- توسعه درون‌زا یا مردم‌محور که بر خلاف توسعه‌های عمودی و متکی بر حاکمیت و قدرت بر انتظام ساختاری افقی و مسئولیت‌زا تاکید دارد. در این مدل ضمن احترام گذراندن به نظرات و آراء مردم کلیه فعالیت‌ها چه به صورت کلان و چه به صورت خرد با مشارکت و اشتیاق درونی تعقیب می‌شود (اسلامی، ۱۳۸۲).

در این راستا با معرفی اسکان غیر رسمی (حاشیه‌نشینی) سعی شده با

برنامه ریزی شهری، مسکن و ناکارآمدی بازار رسمی زمین و مسکن رخ داده است (صرافی، ۱۳۸۲).

با توجه به این زمینه می توان گفت در ایران معمولاً ضرورت های ساختاری توسعه به صورت کاهش تدریجی نیروی کار در بخش کشاورزی از یک سو و ازدیاد شهرنشینی و موجودیت کلان شهرها امری مذموم تلقی شده است و در حالی که شدت شهرنشینی و رشد کلان شهرها در ایران از سایر کشورهای در حال توسعه کمتر بوده، علت اسکان غیر رسمی انگاشته شده است. در نتیجه به حای ساماندهی اسکان غیر رسمی، روش نادرست و ناممکن بازگرداندن مهاجران به روستاها از طریق ازدیاد شاغلان در بخش کشاورزی مدنظر بوده است.

کاستی های برنامه ریزی شهری و مسکن

بررسی برنامه های مسکن در چهارچوب برنامه های عمرانی کشور نشان می دهد که این برنامه ها به رغم روند تکاملی که طی کرده اند، در زمینه های خاصی دچار محدودیت هایی بوده اند که آن ها را از امکان دست یابی به اهداف برنامه و موفقیت در آن بازمی داشت. بررسی کلی مساله مسکن در ۹ برنامه عمرانی کشور نشان می دهد متأسفانه کلیه آن ها از داشتن تعریفی درست و روشن از گروه های هدف محروم بوده اند. با این که هر چه برنامه ها جدیدتر گردیده است عارضه نیز کاهش یافته است اما هنوز ابهام در این که هدف نهایی برنامه تامین سرپناه چه کسانی است، وجود دارد. به نظر می رسد گروه هایی که جای خود را در برنامه های مدون و رسمی خالی یافته اند، دست به کار شده و مشکل را با هر چه در اختیار دارند، حل می کنند زیرا نیاز به سرپناه نمی تواند منتظر قانون، مصوبه و آئین نامه بماند، بلکه هنگامی که احساس نیاز شد باید به آن پاسخ داد (شهسواری، ۱۳۸۵).

راهبرد توانمندسازی (توسعه درون زا)

راه حل اسکان غیر رسمی

در برخورد با اسکان غیر رسمی چهار رویکرد به شرح جملات نمادین نوشته شده در جدول ۱ قابل طبقه بندی است.

در نخستین رویکرد، با نگرشی محافظه کارانه، ریشه کنی پدیده سفارش می شود و به مسایل به گونه های نگاه می شود که چاره ای جز تخریب و راه اندازی بولدوزرها برای حفظ امنیت به نظر نمی رسد. این رویکرد در واقع صورت مساله را پاک کرده و به جا به جایی جغرافیایی مسایل باقیمانده توجه ندارد. همچنین این رویکرد یاس فراگیر را فشرده و با از بین بردن امید ساکنان این جوامع، انگیزه های مقابله، انتقام و انفجار را تقویت می کند (اسدی، ۱۳۸۵).

رویکرد دوم، با نگرشی لیبرال و تشابه سازی تاریخی با مراحل توسعه ی

علت پیدایش این سکونتگاه ها قلمداد می شوند. هر چند شرایط کالبدی اسکان غیر رسمی در ایران، از نظر مصالح به کار برده شده، سرانه مسکونی و برخورداری از خدمات اجتماعی و زیربنایی، به وخامت این شرایط در بسیاری از کشورهای جنوب نیست، لیکن محرومیت و تبعیض در قیاس با دیگر نواحی شهری و فقر و فساد فزاینده اجتماعی، آن ها را کانونی بحرانی و ضد توسعه پایدار انسانی نموده است.

عوامل موثر در ایجاد و گسترش ماشیه نشینی

(اسکان غیر رسمی)

در تبیین پدیده اسکان غیر رسمی باید به علل گوناگونی در سطح مختلف اشاره کرد که البته با توجه به زمینه های مشخص جوامع، اثربخشی و چیرگی هر یک از علل متفاوت می شود. نخستین علت در سطح کلان را باید ساختاری دانست که ساز و کار تبعیض آمیز و فقرزا بر پایه توزیع غیر عادلانه منابع قدرت، ثروت و درآمد در جریان است. تجلی فضایی این ساز و کار در سطح کشور، عدم تعادل های منطقه ای و در سطح منطقه ای و محلی، رجحان فضاهای برگزیده ای همچون شهرهای بزرگ و محلات ثروتمندان در برابر دیگر نواحی و مراکز زیست و فعالیت است که به حرکت منطقی جمعیت های مهاجر به سوی کانون هایی برگزیده می انجامد. از آن جا که این جمعیت، عمدتاً همچون پناه جویان اقتصادی، بدون نتیجه به قابلیت های طبیعی و ظرفیت های «انسان ساخت» مقصدشان در پی دسترسی به فرصت های اشتغال و درآمد» سرازیر می شوند، تقاضای ناگهانی و پر شتابی برای اسکان خود در نواحی محدودی به وجود می آورند. این تقاضا باعث افزایش قیمت ها، کاهش ذخیره مسکن، نارسائی خدمات شهری و اشباع شبکه های زیربنائی می شود. در چنین شرایطی، مهاجرین کم درآمد، توان استفاده از بازار رسمی زمین و مسکن را نداشته و با اصرار بر لزوم استقرار خود در همان ناحیه، فضایی ناخوشایند و نامطمئن لیکن ارزان تر را در بازار غیر رسمی زمین و مسکن ایجاد می کنند (محمدی، ۱۳۸۲).

سنجش علل سافتاری و نهادی ماشیه نشینی در ایران

بخش عمده ای از تحلیل هایی که درباره ی ماشیه نشینی (اسکان غیر رسمی) در ایران نوشته شده است و گزارش های رایج در رسانه های همگانی، موجودیت این پدیده را، به تبعیت از متون اقتصاد سیاسی شهری رایج در دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ی ۱۹۷۰ میلادی، ناشی از موجودیت نظام سرمایه داری و جهانی، تبعات آن همچون وابستگی، مهاجرت ناشی از ویرانی روستاها، ناموزونی شدید توسعه منطقه ای و رشد شتابان کلان شهرها عنوان گردیده است.

به طور کلی اسکان غیر رسمی در ایران به دلایل نهادی یا کاستی های

جدول ۱. رویکردهای اسکان خود انگیخته

رویکردهای چاره اندیشی اسکان خودانگیخته یا غیر رسمی	استراتژی و نوع مدیریت
* پدیده را ریشه کن کنیم	با نگرشی محافظه کار
* پدیده را رها کنیم	با نگرشی لیبرال
* پدیده را ریشه ای حل کنیم	با نگرشی رادیکال
* پدیده را اصلاح کنیم	به نگرشی اصلاح طلب

دیگر جوامع «شمال» یا توسعه یافته، اسکان غیر رسمی را پدیده ای گذرا و میرنده تلقی نموده و از این رو خواهان رهاسازی آن است و انتظار دارد با گذر زمان و دست یافتن به توسعه اسکان غیر رسمی وجود نداشته باشد.

خطای این نگرش در تشابه سازی تاریخی برای کشورهای جهان سوم و در حال توسعه «جنوب» با توجه به استمرار و گسترش این پدیده، مشهود است. ضمن آنکه بی توجهی به میلیون ها شهروند طی ده ها سال به امید حل خود به خودی مسائل از نظر ارزش های انسانی مقبول نیست. رویکرد سوم، با نگرشی قاطع و نپذیرفتن «قوانین بازی» در پی چاره ای اساسی یا تغییر رد ساختارهای جامعه است. تصور بر این است که تا نظام کلان اصلاح نشود نظام های خرد قابل اصلاح نیستند و در واقع درگیر بهبود وضعیت اجتماعات ساکن در سکونتگاه های غیر رسمی نشده و به سازماندهی اجتماعی برای جنبش های سیاسی تکیه می کند (مدنی پور، ۱۳۷۹) و از این رو باز هم مانند رویکرد دوم، آن ها را به حال خود رها کرده تا زمانی که ساز و کارهای فقرزا و ناعادلانه جامعه نابود شوند.

رویکرد چهارم، با نگرشی اصلاح طلب، هر چند ضرورت برقراری عدالت اجتماعی و تعادل منطقه ای را باور دارد، امام برای کوتاه و میان مدت به حل مشکل از طریق قبول واقعیت آن و پرداختن به توان های موجود در آن کوشش می کند و بیش از اصرار بر تغییری ناگهانی در سطح کلان، تحولی تدریجی در سطوح خرد را چاره ساز می داند. بنابراین طبق این رویکرد نباید پرداختن به راه حل های ساختاری به قیمت غفلت از رنج و فقر موجود در این اجتماعات تمام می شود.

در چهارچوب رویکرد چهارم، برای چاره جویی مشکل اجتماعات برآمده از اسکان غیر رسمی راهبرد توانمندسازی، مناسب ترین راه حل می باشد که امروزه در آخرین اسناد جهانی و بنابر تجارب متعدد به طور قوی مورد پذیرش قرار گرفته است. بخش دولتی در گذشته اغلب با کنار زدن اجتماعات محلی کم درآمد به دستگیری از آنان و دادن صدقه با تامین خدمات و نوسازی مسکن آنها می پرداخته است. این شیوه کار به صورت نمایشی و گزینشی با تجهیز منابع زیاد و

استانداردهای بالایی عملی می شد و قابل تعمیم نبود و اساساً مشوق گداپرووری یا باج خواهی می شد. راهبرد توانمندسازی (به مصداق آموزش ماهی گیری و حتی توربافی به جای ماهی دادن به تهی دستان) در پی ظرفیت سازی در اجتماعات برای حل مشکلات آنها با اندیشه، منابع و بازوی خود آنهاست. برای دست یابی به چنین مرحله ای نیاز به شیوه اداره و اقتدار شهری^۲ نوینی است که بر پایه های قانون مداری، شفافیت، پاسخ گویی و برقراری سازی کارهای مردم سالارانه، بدبینی تاریخی اجتماعات تهی دست نسبت به حکومت ها را بزداید و آنها را با سرمایه های انسانی اجتماعی و مالی شان به مشارکت طلبد. در این راهبرد قبل از اینکه راه حل های مهندسی طرح بشود فرآیندهای ساختاری برای فعال کردن اجتماعات محلی طراحی شده و هرگز مردم را به صورت منفعلانه در برابر طرح هایی قرار نمی دهد که آنها را خمیرهای نرمی برای این قالب های آهنین طرح ها فرض کرده باشد. بدین ترتیب راه کارهای برآمده از این راهبرد، در پی تشکیل سرمایه ی انسانی و اجتماعی این اجتماعات با اقدامات جمعی و بهبود فضای زیستی آنها است.

اهداف کلان

در چهارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و هماهنگ با مهمترین دستور کارها و بیانیه های جهانی برای تامین سرپناه مناسب برای همه و ایجاد توسعه پایدار شهری، راهبرد توانمندسازی حاوی

صورتی موجب آثار فزاینده کمک های مستقیمی می شود که در هر حال برای کم درآمدترین اقشار ضروری است؛

- بسیج منابع درون اجتماعات و خودیاری حمایت و هدایت شده: استفاده از سرمایه های انسانی و اجتماعی برآمده از درون این اجتماعات، از مهمترین اصول هادی در توانمندسازی و ساماندهی است. البته پی ریزی راه حل از درون نافی استفاده آگاهانه و جهت دار از منابع بخش دولتی - عمومی و بهسازی تدریجی نیست. اصل بر هدایت و حمایت این خودیاری و ارتقای توانایی ها و بهبود محیط زندگی این افراد در جهت یکپارچگی و پیوند آنها با جامعه و اسکان رسمی است؛

- حق اقامت و امنیت در سکونت به همراه مسئولیت پذیری مدنی: در برخورد با اسکان غیر رسمی، سیاستگذاری نه بر مبنای بازدارندگی از حق مهاجرت و سکونت در شهر، بلکه بر مبنای تفهیم انجام تکالیف و وظایف شهروندی ساکنان در برخورداری از این حق است؛

- تقویت بنیان های اقتصادی - اجتماعی خانواده با تاکید بر مسکن و اشتغال: مسکن بزرگترین سرمایه خانواده هاست که امنیت، نگاهداشت و بهبود وضعیت آن موجب حفظ کيان خانواده و افزایش بهره وری نیروی کار و همبستگی آن با جامعه می شود. بنابراین تخصیص منابع بخش دولتی - عمومی به این امر صرفاً هزینه ای اجتماعی محسوب نمی شود بلکه فواید اقتصادی برای کل جامع در بر دارد؛

- رویکرد جامع و قابل گسترش و آینده نگر: توسعه اجتماعی - اقتصادی را باید همزمان با اقدامات ارتقاء و بهسازی کالبدی پیش برد و در این فرآیند، با مشارکت و توانمندسازی اجتماعات محلی، به ظرفیت سازی نهادینه شده دست یافت. همچنین لازم است با آینده نگری، بستر و زمینه اسکان اقشار کم درآمد به گونه ای در پیرامون شهرها فراهم شود که در آینده امکان ارتقاء و تعادل آنها با اسکان شهری موجود به سادگی فراهم آید؛

- تقویت و نقش و وظیفه نهادهای مدیریتی محلی در فرآیند توانمندسازی و سامان دهی اسکان غیر رسمی: سازماندهی و نهادسازی مدیریتی متناسب برای هدایت و حمایت ساماندهی و اسکان برنامه ریزی شده با مشارکت دو سویه این اجتماعات و نهادهای محلی (به ویژه شهرداری و شورای اسلامی شهرها) برای پایدارسازی اقدامات و برنامه ریزی های اجرایی و تضمین موفقیت آنها ضروری است.

پی نوشت

۱. به مصداق آموزش ماهی گیری و حتی توربافی به جای ماهی دادن به تهی دستان

برنامه ای راهبردی برای چاره جویی مشکلات ناشی از اسکان غیررسمی (به تعبیری حاشیه نشینی) در کشور و پیش نگری رفتار آن و پیشگیری از گسترش و توسعه آن در آینده است.

با این باور که وقتی بخش عمده ای از جمعیت کشور در فقر و تبعیض و در شرایط غیر متعارف زندگی کند، توسعه راستینی برای کشور رخ نخواهد داد، این راهبرد اهداف زیر را مد نظر دارد:

- بسترسازی برای ارتقاء شرایط محیطی به نحوی پایدار و فراگیر در جهت رشد سلامتی، امنیت، امید، ایمان و کرامت انسانی در سکونتگاه های غیر رسمی موجود؛

- پیش نگری به گسترش اسکان غیر رسمی در آینده و زمینه سازی برای احداث مسکن مناسب، خدمات پایه و زیربنایها، در حد استطاعت و دسترسی گروه های کم درآمد در فضای رسمی شهری؛

- زمینه سازی برای بهره مندی از امتیازات شهری و تعمیق فرهنگ شهری برای ساکنان این سکونتگاه ها به همراه مشارکت همه جانبه آن ها در تصمیم گیری ها و اقدامات محلی.

نتیجه گیری

اسکان غیر رسمی مجموعه ای از تنگناها و مشکلات و نیز قابلیت ها و امکانات را در خود و در کنار هم دارد که سیاست های کنونی در استفاده از امکانات نهفته آن برای فائق آمدن بر مشکلات موفق نبوده است. واقعیت آن است که به دور از این قابلیت ها، شیوه های مداخله مستقیم بخش دولتی (از مداخله های حذفی، تخریبی و پلیسی گرفته تا تولید مسکن، عرضه زمین و استانداردهای شهری وضع شده) ناکارآمد بوده و نفعی برای کم درآمدترین اقشار نداشته است. در این ارتباط و جهت حل مشکل، اصول زیر بعنوان اصول هادی در حل معضل اسکان غیر رسمی پیشنهاد می گردد:

- بازنگری سیاست های موجود و تامین فضای شهری برنامه ریزی شده برای کم درآمدها: اسکان غیر رسمی بعلت نبود فضای رسمی مناسب و در حد استطاعت اقشار کم درآمد شهری به وجود آمده است و از این رو بازنگری در برخورد متداول بخش دولتی - عمومی به این پدیده و به فرآیندهای برنامه ریزی و طرح ریزی شهری، به منظور تامین فضای رسمی قابل زندگی برای این اقشار، یک اصل است؛

- نقش تسهیل کننده و هدایتگر بخش دولتی - عمومی: انجام وظیفه در این زمینه بر مبنای تامین مستقیم همه نیازها و تصدی تمامی امور توسط بخش دولتی - عمومی، بلکه از طریق فرآیند تسهیل جریان امور و مشارکت فراگیر و توانمندسازی اجتماعات هدف در برآوردن نیازهایشان صورت می پذیرد. نقش بخش دولتی - عمومی در چنین

پایدار»، مترجم کیانوش ذاکر حقیقی، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، تهران

۴. زبردست، اسفندیار، (۱۳۸۰)، «کاربرد فرآیند تحلیل سلسله مراتبی در برنامه ریزی شهری و منطقه ای»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۰.

۵. شهسواری، شیرام، «توسعه پایدار و مدیریت دولتی در هند»، مدیریت توسعه، مجموعه نهم، مرکز آموزش مدیریت دولتی.

۶. صرافی، مظفر، (۱۳۸۲)، «بازنگری ویژگی های اسکان خودانگیخته در ایران»، حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی، مجموعه مقالات، جلد اول.

۷. محمدی، یونس، (۱۳۸۲)، «حاشیه نشینی و راهبردهای توسعه»، حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی، مجموعه مقالات، جلد اول.

۸. مدنی پور، علی، (۱۳۷۹)، «طراحی فضای شهری: نگرشی بر فرایندی اجتماعی و مکانی»، مترجم فرهاد مرتضایی، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهر، تهران.

۹. مقدس، جلال، (۱۳۸۵)، «مدیریت و توسعه»، مدیریت توسعه، مجموعه نهم، مرکز آموزش مدیریت دولتی.

2. Habitat
 3. Mega cities
 4. In formalized Uroabanziation
۵. نمونه عینی در کشور خودمان، شیوه برخورد با محله خاک سفید تهران و یا گمرک تهران است.
6. Enablement
 7. Urban Governance

فهرست مراجع

۱. اسدی، علی، (۱۳۸۵)، «جامعه شناسی توسعه»، مدیریت توسعه مجموعه نهم، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۲. اسلامی، سید غلامرضا، (۱۳۸۲)، «تقابل و تعامل توسعه درون زا در مفاهیم محله و شهر»، حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی، مجموعه مقالات، جلد اول.
۳. بیتلی، تی و اس، ام ویلر، (۱۳۸۲)، «نوشتارهایی درباره توسعه شهری

